

جزوه مثال شری

سلام بر تو رفیق عزیزم!

از اینکه برای خودت و یادگیری ارزش قائلی و سراغ این جزوه اومدی خوشحالممم!

این جزوه بهت کمک میکنه وقتی هر سبک رو مطالعه کردی بیای و مثال های زیاد ببینی؛

که هم کامل و جامع مطالب برات جا بیافته هم کاربرد ویژگی ها رو ببینی!

پس پر انرژی بروو بریممم!!!

مدرس: زینب امیدبخش

همه با قافیه عشق مصیبت دارند

مشکل از سبک عراقی و خراسانی نیست

سبک خراسانی:

نمونه ها	محتوا	ویژگی ها	سبک خراسانی
ترجمه تفسیر طبری تاریخ بلعمی التفهیم شاهنامه ابومنصوری	بیش تر علمی و گاهی حماسی تاریخی و دینی	ایجاز و اختصار در لفظ و معنا تکرار اسم یا فعل به ضرورت معنی کوتاهی جملات لغات کم کاربرد فارسی در مقایسه با دوره های بعد بهره گیری کمتر از لغات عربی افزایش کاربرد نشانه های جمع فارسی بر جمع عربی	دوره سامانی
تاریخ بیهقی قابوس نامه سفرنامه ناصر خسرو سیاست نامه کیمیای سعادت کشف المحجوب	-----	اطناب (جمله های معمولاً طولانی) تمثیل و استشهاد به آیات و احادیث و اشعار عرب حذف افعال به قرینه افزایش کاربرد لغات عربی (نسبت به دوره قبل)	دوره غزنوی و سلجوقی

سبک عراقی:

فکری	ادبی	زبانی
یک) کم شدن صحت و اتقان مطالب و انحطاط فکری دو) سستی یافتن تحقق و تتبع میان علما و ادیبان سه) درسی کردن عرفان و شرح اصطلاحات و پیچیده جلوه دادن مفاهیم	یک) توجه بیشتر به صایع ادبی * صنایع ادبی جای تعمق و تفکر را گرفت * نبودن استعداد های بزرگ در این عرصه موجب روی آوردن به ظاهر سازی و تصنع ، آوردن استعاره های دور از ذهن و سجع های متوالی و بی روح	یک) ضعیف شدن نثر فنی دو) تاریخ نویسی به اسلوب ساده سه) ورود لغات قبایل مختلف ترک و مغول به زبان فارسی چهار) به وجود آمدن سستی و ضعف در ساختار دستوری جملات نثر

فکری	ادبی	زبانی
یک) فساد و تیره بختی چند قرن گذشته دو) کشتار مردم و فرار دسته جمعی افراد با ذوق و آزاده از بیم تیغ استبداد به خارج از ایران سه) مردن آنان از گرسنگی یا فقر	یک) نداشتن ارزش والا دو) تصنعی و متکلف بودن نثر این دوره سه) افزایش استفاده از آیات و احادیث و عبارات قرآنی چهار) کاربرد شعرهای ضعیف در متن کتابهای نثر پنج) بی دقتی در ذکر تاریخ و حوادث تاریخی شش) رواج مدح و چاپلوسی هفت) آمیزش زبان فارسی با دیگر زبانها	یک) در آمیختگی نظم و نثر دو) کاربرد وجه وصفی سه) جمع بستن با (ات) هم در کلمات عربی، هم فارسی، هم ترکی و مغولی چهار) مطابقت صفت و موصوف به تقلید از عربی پنج) آوردن تتابع اضافات در مقام تعریف و تمجید شش) آوردن جملات طولانی هفت) کاربرد افعال با پیشوند های متعدد هشت) فراوانی لغات ترکی و مغولی

سبک بیداری:

فکری	ادبی	زبانی
یک) تجددخواهی: گسترش در دوران مشروطه با هدف تأثیر بر عامه مردم دو) طنز سیاسی و اجتماعی: از شاخه های ارزنده نثر عصر بیداری سه) دشمنی و استبداد و استعمار: مورد توجه قرار دادن نثر روزنامه ای چهار) تنفر از خرافات: مورد توجه در نثر دوره بیداری به خصوص نثر داستانی پنج) توجه به حقوق مدنی زنان شش) تعلیم و تربیت نوین همگانی	یک) ویژگی کلی: پیشتازی نثر نسبت به شعر در مورد کنار گذاشتن قید و بندها نثر فارسی قید و بند های نثر مصنوع و فنی را کنار می گذارد و گزارشی و ساده می شود دو) آرایه های ادبی: جدا شدن صنایع ادبی از نثر و ظهور نثر به شکلی پویا در خدمت خواست و آمال مردم سه) ویژگی های داستان نویسی: ضعف تکنیکی حضور راوی سوم شخص، عدم مطابقت کامل سبک نویسندگی با ادبیات داستانی	ویژگی کلی: ساده و قابل فهم بودن نثر دوره واژگان: کم شدن واژگان و ترکیب های عربی نا آشنا ورود لغات انگلیسی، ترکی، فرانسوی و... به زبان نثر جملات: کاهش آشکار عبارت های وصفی دور و دراز و لفظ پردازی های بیجا

سبک معاصر:

فکری	ادبی	زبانی
یک) نثر داستانی: تنوع مضامینی مثل اقلیمی ، شهری ، کودکانه ، زنانه دو) انواع رمان: رمان تاریخی ، سیاسی ، علمی ، فلسفی سه) اساطیر: رد پای آشکار اساطیر یونانی ، رومی ، هندی و عبری	یک) نوع نثر: ساده دو) توصیف: عینی ، کوتاه ، بیرونی و مشخص بودن توصیف پدیده ها و شخصیت ها سه) قالب و ساختار داستانی متنوع و گوناگون: سفرنامه ، خاطره ، داستان کوتاه و بلند ، نثر تحقیقی و دانشگاهی ، رمان ، نمایشنامه نویسی	یک) لغات: راه یافتن بعضی از واژه های اروپایی به زبان فارسی ، کم شدن واژه های عربی نسبت به گذشته ، ورود واژه ها ، کنایات ، و اصطلاحات عامیانه به نثر داستانی دو) نثر داستانی: تاثیر پذیرفتن نثر داستانی از گفتار و محاوره اقشار اجتماعی سه) فعل و جمله: حذف افعال ، به هم ریختن ساختار نحوی جمله ها ، کوتاهی جملات و فعل ها در کلام

سبک انقلاب:

زبانی	ادبی	فکری
یک) زبان: عامیانه بودن زبان داستان ها به ویژه در زمان جنگ ، ادامه پیدا کردن ساده نویسی در این دوره که در دوره های قبل شروع شده است دو) واژگان: ورود واژه های مربوط به فرهن ایثار و شهادت و مبارزه و مقاومت به زبان داستان	یک) داستان بلند و کوتاه: قبل انقلاب: اقبال به داستان کوتاه دهه پنجاه تا شصت: گرایش به داستان بلند دهه هفتاد به بعد: گرایش به داستان کوتاه دو) سبک داستان: دهه نخست انقلاب: دوری از سبک های جدید داستان بعد از جنگ: گرایش به سبک های جدید داستان نویسی مانند جریان سیال ذهن دهه هشتاد به بعد: داستانک نویسی و مدرن نویسی	یک) خصیصه برجسته ادبیات داستانی: تنوع موضوع ها دو) اندیشه حاکم بر داستان ها: اول سیاسی بعد اجتماعی سه) مضامین نثر: بی توجهی به مادیات ، دعوت به اخلاقت ، استکبار ستیزی ، مبارزه با بی عدالتی اجتماعی ، استقبال از شهادت و فرهنگ ایثار و دفاع از وطن چهار) اومانیسزم: تفکر انسان گرایانه در آثار قبل انقلاب وجود داشت و گاهی به صورت کمرنگ وجود داشت.

چهاردهم صَفَر را به شهر سراب رسیدم و شانزدهم صفر از شهر سراب برفتم. بیستم صفر سنهٔ ۴۳۸ به شهر تبریز رسیدم و آن پنجم شهریور قدیم بود؛ شهری آبادان؛ مرا حکایت کردند که بدین شهر زلزله افتاد. بعضی از شهر خراب شده بود و بعضی دیگر را آسیبی نرسیده بود و گفتند چهل هزار آدمی هلاک شده بودند؛ و در تبریز، «قطران» نام، شاعری را دیدم؛ شعری نیک می‌گفت؛ اما زبان فارسی نیکو نمی‌دانست؛ پیش من آمد؛ دیوان مُنجیک و دیوان دقیقی بیاورد و پیش من بخواند و هر معنی که او را مشکل بود، از من پرسید و شرح آن بنوشت و اشعار خود بر من خواند

۱- حذف فعل به قرینه: و آن پنجم شهریور قدیم بود، شهری آبادان (بود)

۲- آوردن ب در فعل ماضی: برفتم

۳- کوتاهی جمله‌ها

۴- افزایش به کارگیری واژگان عربی نسبت به دوره‌های قبل سنه، هلاک

۵- توصیفات جزئی

۶- افزودن «ب» بر سر افعال (برفتم، بخواند، بیاورد، پرسید و بنوشت)

۷- به کار بردن «را» در معنی «برای» مرا حکایت کردند: هر معنی که او را

مشکل بود (برای)، بعضی دیگر را آسیبی نرسیده بود (به)

به روزگار خسرو، اندر وقت بوذرجمهر، رسولی آمد از روم. خسرو بنشست چنان که «
رسم ملوک بود؛ و رسول را بار داد. پیش رسول با وزیر، بوذرجمهر، گفت: «ای فلان،
همه چیز در عالم تو دانی؟

»!بوذرجمهر گفت: «نه، ای خدایگان

خسرو از آن طیره شده و از رسول، خجل گشت. پرسید که همه چیز پس که داند؟
بوذرجمهر گفت: «همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر زاده نشده‌اند

۱- قابوس نامه از جمله نثرهای موفق دوره غزنوی سلجوقی است.

۲- کوتاه بودن جمله ها

۳- کمی واژگان عربی

۴- به کارگیری واژگان کهنه و مهجور

۵- جابه جایی اجزای جمله: رسولی آمد از روم.

۶- به کارگیری اندر به جای در

۷- به کار بردن کلماتی که امروزه رواج کمتری دارند: طیره ، بار داد ،

خدایگان

۸- کاربرد «ب» اول فعل ماضی ساده بنشست